



## بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی - 16 / خرداد / 1395

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين  
الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیزی که نقش تعیین کننده ای خواهید داشت ان شاء الله در پیشرفت کشور، و اجزای تشکیل دهنده ی یکی از بزرگ ترین ارکان کشور و انقلاب هستید. به همه ی شما تبریک عرض میکنیم به خاطر اینکه این موفقیت را کسب کردید و بحمد الله خدای متعال به شما این توفیق را داد که در این جایگاه والا قرار بگیرید.

یک جمله ابتدائاً عرض بکنیم. خب روزهای آخر شعبان و نزدیک ماه رمضان است. دلهایمان را توجه بدهیم به رضای الهی و مسئولیت الهی. به شما عرض میکنم: برادران و خواهران عزیز! قدر این موقعیت را بدانید و بدانید که بسیار زودگذر است؛ یعنی تا چشم به هم بزنی، چهار سال گذشته. مثل عمرمان دیگر؛ عمر ما هم همین جور است؛ انسان به پشت سرش که نگاه میکند، میبیند این دوران مثل برق گذشت و خوشی ها، سختی ها، تلخی ها، شیرینی ها، لذتها، رنجها تمام شد. اگر در این طومار طولانی - حالا در مورد امثال حقیر هفتاد هشتاد ساله مثلاً فرض کنید - انسان توانسته باشد یک نقطه ای گذاشته باشد که بتواند محاسبه کند آن را پیش خدای متعال و امیدی به آن داشته باشد، خب چه بهتر؛ اما اگر چنانچه در این طومار طولانی، کاری که بتوان از آن در مقابل خدای متعال دفاع کرد - [چون] انسان را محاسبه میکنند دیگر - نداشته باشیم، زندگی خواهد شد خسارت؛ همان «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» [إلا الذین ءامنوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ]؛ (۲) ایمان و عمل صالح؛ اگر این عمل صالح و این ایمان در این مجموعه ای که از عمر ما گذشته است وجود داشته باشد، خب بله، خسارت نیست؛ به همان اندازه سود هست؛ [اما] اگر خدای نکرده نباشد یا انسان وقتی محاسبه میکند، ببیند میتواند در آن خدشه کرد و مناقشه کرد، آن وقت کار انسان خیلی مشکل است؛ خیلی.

در دعای شریف ابی حمزه، حضرت [علی (ع)] عرض میکند به خدای متعال: اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كُلِّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ إِيَّايَ لُبِّي؛ (۳) آن وقتی که تو از من سؤال میکنی، من جوابی ندارم به تو بدهم - تفحص میکنند از اعمال انسان؛ انسان باید بتواند جواب بدهد دیگر - كُلِّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي، زبانم بند می آید، نمیتوانم جواب بدهم، وَ انْقَطَعَتْ حُجَّتِي، و استدلال من تمام میشود - انسان یک استدلالهایی پیش خودش دارد دیگر: «این کار را برای این کردم، برای آن کردم»؛ بعد [وقتی] هر یک از اینها را جواب میدهند، آدم دستش خالی میشود از استدلال - وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ إِيَّايَ لُبِّي، و مغز من، دل من، روح من در مقابل این سؤالهای پیاپی که از من خواهد شد، حیران و سرگردان میماند؛ این جوری میشود. بنده این را خودم تجربه کرده ام، این تجربه ی بنده است، حالا نمیخواستم [بگویم]؛ دیگر حالا الان به ذهنم آمد، به زبانم آمد، عرض میکنم. در سال ۶۰ که آن حادثه ی کذایی برای بنده اتفاق افتاد در مسجد ابوذر، خب بیهوش شدم. بعد من را بلند کرده بودند و در حینی که من را از داخل مسجد میبردند به طرف ماشین، دو بار سه بار به هوش آمدم و دوباره از هوش رفتم تا بعد بالاخره یکسره بیهوش شدم. در این دو سه باری که به هوش آمدم، یک بار احساس کردم که این لحظه ی آخر است، یعنی کاملاً احساس کردم که لحظه ی مرگ است. ناگهان همه ی زندگی گذشته در مقابل چشمم مجسم شد. با خودم فکر کردم که خب، حالا چه دارم برای عرضه کردن؟ هرچه فکر کردم، دیدم همه اش قابل مناقشه است. خب مبارزه کردیم، زندان رفتیم،



کتک خوردیم، درس دادیم، زحمت کشیدیم - این چیزهایی است که آدم به ذهنش می‌آید دیگر - در آن لحظه دیدم همه‌ی اینها را میشود با من مناقشه کنند ؛ [بگویند] در فلان قضیه ممکن است یک نیت غیر الهی مخلوط این نیت شما شده ؛ هیچی ؛ از بین رفت! ناگهان احساس کردم که بین زمین و آسمان معلّم، مثل آدمی که اصلاً به هیچ‌جا دستش بند نیست. گفتم پروردگارا! وضع من این‌جوری است، میبینی دیگر، من ظاهراً هیچ‌چیز ندارم ؛ آن‌طور که حساب میکنم میبینم هیچ‌چیز دستم نیست، یک‌جوری مگر خودت رحم کنی. این حالت برای انسان پیش می‌آید. سعی کنیم از این موقعیتهای استفاده کنیم.

شما موقعیت خوبی گیرتان آمده ؛ چهار سال در مجلس شورای اسلامی، جایی که اداره‌ی کشور و قانونگذاری کشور آنجا است. اهمّیت این قانونگذاری خیلی زیاد است ؛ این واقعاً همان‌طور که بارها عرض کرده‌ایم، ریل‌گذاری است. شما حرکت دولت را اولاً ریل‌گذاری میکنید، بعد با اختیاراتی که قانون اساسی به شما داده - که از جمله‌اش تحقیق و تفحص است که در قانون اساسی تصریح شده - میتوانید تضمین کنید که این حرکت انجام بگیرد. صرف توصیه نیست ؛ برطبق قانون میتوانید دنبال کنید، تحقیق کنید، تفحص کنید ؛ هیچ منافاتی هم با همکاری با دولت ندارد. اعتقاد بنده این است و همیشه عقیده‌ام در همه‌ی دولتها این بوده که مجلس باید با دولت همکاری کند ؛ اما این همکاری به معنای گذشت از حقوق مجلس نیست ؛ بایستی حقتان را استیفاء کنید ؛ تحقیق کنید، تفحص کنید، مؤاخذه کنید که چرا نشد، چرا کم شد، چرا جور دیگر شد. این یک فرصت بسیار مهمّی است ؛ این را قدر بدانید.

اول انقلاب، آن‌وقتی که صحبت انتخاب رئیس‌جمهور بود و مدام نامزدهای مختلف مطرح میشدند، بنده و یک نفر دیگر از دوستانمان، از تهران رفتیم قم خدمت امام - آن‌وقت ایشان قم بودند - در یک وقت تنگ سختی هم بود، ایشان هم داخل بودند، بالاخره هر‌جور بود گفتیم باید ببینیم امام را. چون امام فرموده بودند که معّمین مطرح نشوند، نامزد نشوند برای ریاست جمهوری ؛ ما رفته بودیم با امام بحث کنیم، حاجّه (۴) کنیم که بگوییم نه، این منع را شما بردارید تا آقای بهشتی را ما مطرح کنیم ؛ به نظر ما بهتر از همه، شهید بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) بود ؛ رفته بودیم با ایشان بحث کنیم سر این قضیه. یک قدری گفتیم و شنفتیم و ایشان یک چیزهایی گفت، ما یک چیزهایی گفتیم ؛ بعد ایشان به ما گفتند شما بروید مجلس را نگه دارید ؛ بروید دنبال مجلس ؛ آن‌وقت هنوز انتخابات مجلس [برگزار] نشده بود ؛ گفتند بروید سراغ مجلس، مجلس مهم است. توصیه‌شان به ما - به من و آن دوستان - این [بود] ؛ یعنی روی مسئله‌ی دولت اصرار نکنید ؛ مجلس از نظر ایشان مهم‌تر از دولت و قوه‌ی مجریّه بود. خب حالا از خدا بخواهید ؛ واقعاً کمک بخواهید! ماه رمضان در پیش است ؛ روزه فرصت است، دعا فرصت است، بیداری شبها فرصت است، نماز شبی که قاعدتاً مؤمنین در این‌جور شبها بیشتر توفیق پیدا میکنند بخوانند، فرصت است ؛ دعا کنید، تضرّع کنید و از خدا بخواهید که شما را موفق کند در اینکه این کار بزرگ را ان‌شاءالله بتوانید انجام بدهید.

خب، من چند نکته عرض میکنم: یکی درباره‌ی اصل وظیفه‌ی مجلس است و اهمّیت مجلس ؛ یکی درباره‌ی مسئله‌ی قانون است ؛ یکی بخصوص در زمینه‌ی اقتصاد است ؛ یکی بخصوص در زمینه‌ی فرهنگ است ؛ یکی هم در زمینه‌ی سیاستهای کلی و مسائل سیاست خارجی و مانند اینها است ؛ چند جمله‌ی این‌جوری را ان‌شاءالله عرض میکنم.

در قانون اساسی شما موظف شده‌اید از دستاوردهای انقلاب و مبانی اسلام دفاع کنید ؛ در سوگندتان بود. من در پیامم به شما عرض کردم (۵) این سوگند، سوگند حقیقی است ؛ یعنی اگر این سوگند نقض بشود، کفاره دارد. سوگند خورده‌اید که مبانی اسلام را و دستاوردهای انقلاب را حفظ کنید ؛ خب، این چیز مهمّی است. این کی ممکن خواهد شد؟ آن‌وقتی که مجلس واقعاً در رأس امور باشد ؛ این کار هم دست شما است. «مجلس در رأس امور» تعارف نیست که بخواهیم تعارف بکنیم ؛ نه واقعاً باید مجلس در رأس امور باشد ؛ یعنی تصمیم بگیرد و آن تصمیم اجرائی



بشود. البته من این را به شما عرض بکنم که در دولتهای مختلف -هم این دولت کنونی، هم دولت قبلی، هم دولتهای قبلی؛ همه‌شان از بعد از رحلت امام؛ و در زمان امام، دولت خود بنده- اتفاق می‌افتاد یک جاهایی، در یک تنگناهایی گیر میکردیم و الان دولتها گیر میکنند که از اختیارات ولی‌فقیه استفاده میکنند؛ این هست، اما در همانها هم بنده مکرراً در نظر داشتم مراقبت بکنم تا آنجایی که ممکن است به مصوبه‌ی مجلس خدشه وارد نشود. یکی از دولتهای گذشته آمده بودند یک چیزی میخواستند که درست نقطه‌ی مقابل قانون بودجه‌ی آن سال بود؛ آن وقت [قانون] برنامه نبود، قانون بودجه بود. هرچه اصرار کردند، من زیر بار نرفتم؛ با اینکه مشکلاتی داشتند اما گفتم ما یک مجلسی داریم که نشسته‌اند تصمیم گرفته‌اند و قانون بودجه را با این همه زحمت تصویب کرده‌اند، حالا شما بیا با یک کلمه حرف، همه‌ی قانون را برگردان از این طرف به آن طرف؛ اینکه نمیشود. مجلس را باید در رأس امور قرار داد. احترام مجلس، وقار مجلس، هیبت مجلس باید محفوظ باشد.

من یک وقت -ظاهراً یا با آقای لاریجانی یا یکی از رؤسای مجلس- گفتم که از اوّل مشروطه این جوری بود تا وقتی رضاخان سر کار آمد. رضاخان که آمد، مجلس و قانون و قانونگذاری و مانند اینها همه دود شد رفت هوا؛ اما قبل از آمدن رضاخان -که خب مسئله‌ی قانونگذاری و مجلس و مجلس شورا است و تازه هم مشروطیت سرکار آمده بود؛ ظاهراً در دوره‌ی دوم یا سوم مجلس؛ بالاخره قبل از قدرت گرفتن رضاخان- رئیس مجلس مؤتمن‌الملک (۶) بود که از رجال خوشنام زمان قاجار است، برادر مؤتمن‌الملک، نخست‌وزیر بود که مشیرالدوله (۷) است. او هم اتفاقاً از رجال خوشنام است؛ یعنی این دو برادر جزو رجال نسبتاً خوشنام دوره‌ی قاجار و اوّل پهلوی هستند. پس برادر بزرگ‌تر که مشیرالدوله بود، رئیس دولت بود، نخست‌وزیر بود؛ مؤتمن‌الملک -برادر کوچک‌تر- رئیس مجلس بود. رئیس دولت -نخست‌وزیر- از مجلس وقت گرفت که بیاید آنجا یک گزارشی بدهد؛ مثلاً ساعت هشت صبح یک سخنرانی بکند. ساعت هشت صبح شد، مشیرالدوله نرسید؛ مؤتمن‌الملک به ساعتش نگاه کرد، دید پنج‌دقیقه از هشت گذشت، گفت نخست‌وزیر را دیگر راه ندهید؛ نخست‌وزیر را راه ندهید؛ پنج‌دقیقه بعد مشیرالدوله رسید به مجلس، راهش ندادند! این جور است. نخست‌وزیر پنج‌دقیقه از وقت معین تأخیر کرده، رئیس مجلس که برادرش بود -برادر کوچک‌ترش هم بود- راهش نداد؛ این یعنی اقتدار مجلس، هیبت مجلس این است؛ این را باید حفظ کنید. این دست خود شما است و شما میتوانید این کار را بکنید.

یکی از چیزهایی که به معنای واقعی کلمه میتواند این را در مجلس تأمین کند و تضمین کند، نظارت مجلس بر خویشتن است؛ من این را در مجلس هشتم گفتم. (۸) مجلس بر خودش نظارت کند. بالاخره مجلس تشکیل میشود از تعدادی انسان؛ ما انسانها همه‌مان در معرض خطا هستیم؛ یعنی شوخی ندارد، بزرگ و کوچک هم ندارد، پیر و جوان هم ندارد، همه‌مان در معرض خطا و در معرض لغزش هستیم. چه کسی باید جلوی این لغزش را بگیرد؟ خود مجلس. انواع و اقسام لغزشها هم متصور است؛ مجلس اگر نظارت کرد، جلوی لغزش نماینده را گرفت و نماینده توانست این پاکیزگی و طهارت خودش را در طول این چند سال حفظ کند، آن وقت زبانش باز خواهد بود؛ آن وقت میتواند اگرچنانچه نقطه‌ی اشکالی در هرجا دید آن را بیان کند؛ این را باید مجلس رعایت بکند. من خواهش میکنم مسئله‌ی خودنظارتی، خویشتن‌نظارتی مجلس را دست‌کم نگیرید. این را حفظ کنید.

خب، یک مسئله در مورد قانون است. قانونگذاری شأن اصلی شما است منتها قانون را دوجور میشود گذارد و وضع کرد: خوب و بد؛ میشود خوب قانونگذاری کرد، میشود بد قانونگذاری کرد. صرفاً هم بد و خوب بودن به این نیست که قانون خوب باشد یا قانون بد باشد؛ نه، گاهی یک قانون خوب را شما وضع میکنید اما این وضع، بد است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در کیفیت وضع این قانون رعایت دقت نشده، انسجام با بقیه‌ی قوانین مراعات نشده، وجود وضوح در قانون رعایت نشده. اوّل قانون بایستی باکیفیت باشد؛ افزایش قانون، زیاد بودن قانون خیلی چنگی به دل نمیزند؛ باید قانون باکیفیت باشد. حالا اینکه آقای دکتر لاریجانی اینجا گفتند وجود تخصصهای مختلف، واقعاً بنده را



خرسند میکند؛ الحمدلله! وجود این متخصصین و افراد وارد، مطلع و خردمند در مجلس خیلی قیمت دارد برای این جهت؛ دقت کنید که اولاً قانون متقن باشد، قانون اتقان داشته باشد؛ یعنی دلایل وضع این قانون جوری باشد که هرکس نگاه میکند، ببیند بله، این قانون، قانون متقنی است. همه جانبه نگر باشد؛ نگاه جزئی و بی توجه به جوانب گوناگون، قانون را از حیث (۹) انتفاع می اندازد. واضح باشد؛ جوری نباشد که پی در پی اصلاحات مکرر لازم داشته داشته باشد، مرتب استفساریه بیاید مجلس؛ وقتی قانون واضح نبود، وقتی جامع نبود، مرتباً استفساریه می آید که آیا مرادتان این بوده یا آن بوده؛ گاهی نتیجه‌ی استفساریه‌ای که مجلس صادر میکند، نقطه‌ی مقابل مضمون خود قانون است؛ خب این قانون، قانون خوبی نیست؛ یعنی مضمون قانون ممکن است خوب باشد اما قانونگذاری خوبی نیست، قانونگذاری بدی است. بنابراین قانون باید کیفیت داشته باشد.

[همچنین] تعارض قوانین؛ یکی از چیزهایی که ما دچارش هستیم، مسئله‌ی تراکم قوانین است؛ این قدر که در مسائل مختلف قانون داریم! حالا آقای دکتر لاریجانی اشاره کردند به مسئله‌ی آمایش سرزمین؛ آمایش سرزمین، از زمانی که بنده رئیس جمهور بودم، در هیئت دولت مطرح شد؛ زمان ریاست جمهوری خود من که حالا سی سال، سی و چند سال از آن وقت گذشته، مسئله‌ی آمایش [سرزمین] در دولت مطرح شد - که روی کلمه‌ی آمایش هم بحث کردیم که این کلمه فارسی است، چیست، ریشه‌اش چیست - و [بنا شد] دنبال کند؛ در همه‌ی دولتها هم دنبال شده، [اما] هنوز هم [عملی] نشده. خب، حالا قانون هم گذاشته‌ایم، برای آمایش سرزمین قانون هم وجود دارد؛ حالا شما بیا چند قانون دیگر هم روی آن اضافه کن! راه‌های میان‌بر را باید طی کرد. فرض بفرمایید حالا شما میخواهید به برکت آمایش سرزمین و آشنایی‌ای که با استعدادها و ظرفیتهای استانها یا منطقه‌ها پیدا میکنید، از امکانات استانها و مناطق گوناگون کشور استفاده کنید؛ خیلی خب، حالا [اگر] این نشد، راه دیگری در کنار این وجود دارد. خب، درست است که آمایش علمی، مثلاً فرض کنید در زمینه‌ی استان خراسان اتفاق نیفتاده اما استاندار آنجا و مسئولین محلی آنجا چیزی از استعدادهای آن استان میدانند که کسی که در مرکز نشسته آن چیز را نمیداند؛ این خودش یک فرصت است؛ از این راه‌ها استفاده بشود. بنابراین میخواهم این را عرض بکنم که تراکم قانون و افزایش کمیّت قانون، حُسن نیست؛ عمده این است که قانون کیفیت داشته باشد؛ جامع باشد.

از قوانینی که زمینه‌ساز فساد است جلوگیری کنید، یعنی بدقت مراقب باشید. یکی از چیزهایی که حالا این مخصوص مجلس ما نیست - البته گاهی در مجلس ما هم اتفاق افتاده؛ چندباری بنده در این سالها یادم هست - اما در مجالس دنیا معمول است، [این است که] یک قانونی را تصویب میکنند و ده روز دیگر نسخ میکنند؛ در این ده روز، افرادی به میلیاردها میرسند! قانون فسادانگیز. یعنی این قانون جوری است که فرض کنید فروش یک چیزی را منع میکنند، ورود یک چیزی را یا صدور یک چیزی را منع میکنند، آن کسی که باید استفاده‌ی خودش را بکند، از این منع استفاده میکند، بعد ده روز دیگر آزاد میکنند؛ افراد یک شبه به میلیاردها میرسند. این قانون فسادانگیز است. از این قبیل قوانین وجود دارد؛ مراقب باشید قانونی که گذاشته میشود، ضدّ فساد باشد.

یک مسئله در مورد قانون این است که مصالح ملی را مقدّم نداریم بر مسائل منطقه‌ای. البته شماها که از مناطق مختلف کشور آمده‌اید، خب مردم از شما توقعاتی دارند، انتظاراتی دارند؛ انتظارات به طور کامل قابل قبول نیست، تاحدودی قابل قبول است، اما اینکه حالا تصوّر کنند که شما که از آنجا آمدید، راهشان، آبشان، برقشان، بودجه‌ی دولتی‌شان، همه چیزشان حل خواهد شد، نه، خب اینکه امکان ندارد. شما قهرماً خودتان را موظف میدانید مقداری به خواسته‌ها و توقعات مردم منطقه توجه کنید. خب، تاحدودی اشکال ندارد منتها تا آنجایی که معارض با مصالح ملی نباشد؛ گاهی اوقات با مصالح ملی [معارض است]؛ فرض کنید در فلان استان اصرار است بر اینکه فرودگاه ایجاد بشود - خب فرودگاه از چیزهای پُرخرج است؛ جزو موضوعات پُرخرج و زیربناهای پُرخرج، یکی فرودگاه است - فرض کنید فرودگاه لازم دارند. شما نگاه میکنید می‌بینید که خب این فرودگاه برای اینجا واقعاً لازم نیست؛ بله، یک





امتیازی برای آنجا است لکن خب در همسایگی آن، در این طرفش در آن طرفش فرودگاه‌های نزدیک هست، من باب مثال ؛ پول مملکت را، توانایی‌های مملکت را، فرصتهای کشور را صرف کنیم برای یک چیزی که اولویت ندارد! اینجا شما این مصلحت ملی را ترجیح بدهید بر آن مسئله و مصلحت منطقه‌ای و محلی. بنابراین بنده نمیگویم بکلی به خواسته‌های منطقه‌ای بی‌اعتنائی کنید، که خب چنین چیزی امکان ندارد، اما آنجایی که با مصلحت ملی یک معارضه‌ای دارد، حتماً مصلحت ملی را در قانونگذاری رعایت کنید.

یک نکته‌ی دیگری که در مورد قانون می‌خواهم عرض بکنم، این است که از کارشناسی‌ها استفاده کنید. یکی از بخشهای مهمی که از کارشناسی آن میتوانید استفاده کنید، بدنه‌ی دولت است. دولت در بخشهای مختلف کارشناس‌های خوبی دارد. از بدنه‌ی کارشناسی دولت -حالا چه سازمان برنامه، چه جاهای دیگر- در بخشهای مختلف حتماً استفاده بشود ؛ اما مخصوص آنها هم نیست ؛ در بیرون دولت هم الان شما ملاحظه کنید، در زمینه‌ی مسائل اقتصادی -که حالا اجمالی عرض خواهم کرد- افرادی هستند که در دولت هم نیستند، در دانشگاهند، تدریس میکنند یا اقتصاددانند ؛ اینها کارشناسند. از بدنه‌ی کارشناسی حتماً استفاده بشود برای تصمیم‌گیری‌ها.

با اسناد بالادستی و سیاستهایی هم که اعلام میشود، سعی کنید [قانون] انطباق داشته باشد. حالا مثلاً برنامه‌ی ششم در دستور کار شما است ؛ خیلی هم مهم است ؛ این را من عرض بکنم. برنامه‌ی ششم فوق‌العاده مهم است ؛ در مورد این برنامه کوتاهی و اغماض و کم گذاشتن، هیچ جایز نیست ؛ یعنی واقعاً باید برنامه را کامل و خوب و دقیق تمام بکنید. خب اوضاع اوضاع خاصی است ؛ هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسی ؛ برای کشور الان اوضاع ویژه‌ای است و باید برنامه‌ای که شما برای پنج سال می‌گذارید، یک برنامه‌ی به‌معنای واقعی کلمه کامل باشد. خب، طبعاً وقتی این برنامه تنظیم شد، این شد جزو اسناد بالادستی ؛ قانون که میخواهید بگذارید، با این برنامه یا با برنامه‌های [دیگر] مثلاً فرض کنید [سیاستهای کلی] اصل ۴۴ و امثال اینها باید تطبیق بکند.

خب حالا این در زمینه‌ی قانونگذاری که حالا شما ان شاءالله به این نکته توجه میکنید. البته خب میبینم که بعضی از دوستان در روزنامه‌ها و امثال اینها مینویسند که بله، عده‌ی زیادی از کسانی که وارد مجلس شده‌اند سابقه ندارند و مجلس را نمی‌شناسند ؛ به نظر من، این تهدید نیست، این فرصت است ؛ اصلاً انتخابات و جابه‌جا شدن‌ها، خود یک فرصت است ؛ اینکه افراد تازه‌نفسی بیایند در میدان که عادت به مجلس نکرده باشند، یک عده هم از قبل هستند که اینها هم تجربه‌هایشان را منتقل میکنند به اینها -یعنی این ترکیب قدیم و جدید- در مجلسها یک چیز خوبی است، این یک فرصتی است ؛ از این فرصت هرچه میتوانید استفاده کنید ؛ با نشاط و علاقه و خوب، با استفاده از تجربیاتی که دیگران دارند. این در زمینه‌ی مسائل مربوط به قانون که به نظر من مهم‌تر از همه چیز است.

در مسئله‌ی اقتصاد ؛ ببینید برادران عزیز، خواهران عزیز! واقعاً مسئله‌ی اقتصاد یک مسئله‌ی اصلی در کشور ما است ؛ نه [فقط] امروز، که خب بنده پنج شش سال است که مرتباً روی مسئله‌ی اقتصاد تکیه میکنم. من پنج شش سال قبل از این، در صحبت اول سال -عید- گفتم ما داریم تهدید میشویم از دو ناحیه و یکی -که شاید هم مهم‌تر بود- از ناحیه‌ی اقتصاد است. ( ۱۰ ) واقعش هم همین است ؛ آن وقت هنوز تحریمها نبود و اعمال نشده بود. دشمن اقتصاد را به‌عنوان یک حربه‌ای علیه ما به‌کار گرفته، ما هم شاید یک‌خرده ناشیگری کردیم و نشان دادیم که از این حربه خیلی می‌ترسیم و ناراحتیم ؛ [لذا] او بیشتر تشجیع شده و راه خودش را پیدا کرده. علی‌ای‌حال، مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی بسیار مهمی است ؛ باید ما مسئله‌ی اقتصاد کشور را حل کنیم. البته اجرا به عهده‌ی دولت است ؛ دولت است که باید در میدان و وسط میدان کار کند، اما شما در این زمینه میتوانید خیلی کمک کنید. تکیه‌ی مهم باید روی مسئله‌ی رکود باشد، [روی] مسئله‌ی تولید داخلی باشد ؛ تولید داخلی خیلی مهم است. من چند روز پیش بود در یک صحبتی گفتم ( ۱۱ ) هر حرکتی که دولت در زمینه‌ی مسائل اقتصادی میکند، بایستی برای ما روشن باشد که این



کجای اقتصاد مقاومتی قرار میگیرد. اقتصاد مقاومتی یک جدول تشکیل شده از خانه‌های متعدد است؛ هر اقدامی که ما می‌کنیم، باید معلوم باشد که کجای این جدول را پُر میکند. یک معامله‌ای دولت می‌خواست بکند، دفتر ما تماس گرفتند و از آن مسئول مربوط پرسیدند که خب این کجای اقتصاد مقاومتی است؟ باید تشریح کنند، باید توضیح بدهند که این کجای اقتصاد مقاومتی قرار میگیرد؛ ضد اقتصاد مقاومتی نباشد، خنثی هم نباشد؛ نه فقط ضدیت. بنابراین، مسئله‌ی تولید داخلی خیلی مهم است؛ علاج رکود خیلی مهم است.

مسئله‌ی اشتغال، که وابسته‌ی به همین مسئله‌ی تولید داخلی و مانند اینها است، خیلی مهم است. همین‌طور مدام همه‌ی ما می‌گوییم؛ دولتی می‌گوید، مجلسی می‌گوید، اقتصاددان آزاد روزنامه‌ای می‌گوید، که فلان درصد از کارخانه‌ها تعطیلند یا مثلاً کمتر از نصف ظرفیت کار میکنند. خب بالاخره چه میشود؟ بالاخره باید اینها راه بیفتد، باید کار بکند؛ اگر کار کرد، اشتغال به وجود خواهد آمد. این خجلت و شرمندگی نظام از بیکاری جوان، از خجلت خود آن جوان در داخل خانه بیشتر است؛ این را شما بدانید. بنده خودم وقتی که به فکر این جوان بیکار می‌افتم [شرمنده می‌شوم]. در بعضی از شهرستان‌ها بیکاری بالا است. البته ما نرخ یا به اصطلاح درصد بیکاری را یک مقداری معین می‌کنیم؛ حالا دوازده درصد یا ده درصد -همین که حالا گفته میشود- لکن این میانگین است. وقتی انسان این را می‌بیند شرمند می‌شود؛ یعنی شرمندگی بنده‌ی حقیر از ملاحظه‌ی این آمار و مطالعه‌ی این حقیقت، از شرمندگی آن جوانی که بیکار می‌رود خانه و دستش چیزی نیست، کمتر نیست، بلکه بیشتر است؛ این را باید برطرف بکنیم.

مسئله‌ی قاچاق که اشاره کردند و بنده هم مکرراً اشاره کرده‌ام، خیلی جدی است؛ یعنی واقعاً قاچاق، خنجری است که به پشت نظام وارد میشود. یک عده‌ای برای خاطر منافع شخصی خودشان، منافع کشور را با قاچاق لگدمال میکنند؛ باید با این مبارزه کرد، باید با این مقابله کرد. البته بدیهی است که این مقابله آسان نیست؛ برای خاطر اینکه آن کسانی که درآمدهای میلیاردری از قاچاق دارند، به این آسانی‌ها دست برنمی‌دارند. باید برخورد کرد؛ این برخورد را البته دولت باید بکند، اما پشتوانه‌ی این برخورد دولتی، مجلس است؛ شما هستید که باید بخواهید، باید تصمیم بگیرید، باید برنامه‌ریزی کنید. این هم درباره‌ی مسائل مربوط به اقتصاد.

مسئله‌ی بعدی مسئله‌ی فرهنگ است. البته فرهنگ، در بلندمدت، از اقتصاد خیلی مهم‌تر است؛ اقتصاد مسئله‌ی فوری و اولویت کنونی ما است، [اما] مسئله‌ی فرهنگ یک مسئله‌ی مستمری است و بسیار مهم است؛ حتی در قضیه‌ی اقتصاد هم مهم است. برادران عزیز، خواهران عزیز! در مسئله‌ی فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری می‌کنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی -اعم از دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی- یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولید کالای فرهنگی مفید که کوتاهی می‌کنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی می‌کنیم. اهمیت کالای فرهنگی از کالای مصرفی جسمانی کمتر نیست، بیشتر است. فرض کنید مرتب تکرار بکنند که مثلاً فلان جور پفک مضر است، نخورید؛ حالا مگر ضررش چقدر است، چه جور ضرری است، چه میزان ضرر دارد، برای چند درصد از مردم ضرر دارد؟ این را دائماً می‌گویند، اما ضرر فلان جور فیلم یا فلان جور کتاب یا فلان جور بازی رایانه‌ای یا امثال اینها را کسی جرئت نمی‌کند بگوید که نبادا متهم بشوند به اینکه جلوی آزادی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات را گرفته‌اند. آنهایی که اساس این حرف‌ها هستند، خودشان بیشتر از ما در این مسائل سخت‌گیری میکنند؛ این را باور کنید. حالا آزادترین مناطق دنیا از لحاظ اطلاعات، مثلاً فرض کنید دولتهای غربی‌اند، از جمله آمریکا؛ از خبرهای دقیق و روشنی که از آمریکا میرسد در کنترل اطلاعات افراد و انگشت گذاشتن روی آن چیزهایی که دستگاه روی آنها حساس است، انسان واقعاً تعجب می‌کند؛ ما یک‌دهم آنها کنترل اطلاعاتی نداریم و نمی‌کنیم. بمجرد اینکه [در اینجا] یک فیلمی را ممنوع کردند یا فرض کنید که یک جریان رایانه‌ای را مثلاً محدود کردند یا ممنوع کردند، فوراً آنها سروصدا بلند میکنند، ما هم باورمان می‌آید؛ ما هم باور می‌کنیم که واقعاً کار خطایی کرده‌ایم. نه آقا، باید مراقبت کرد! وظیفه‌ی ما تولید کالای فرهنگی مفید و جلوگیری از کالای فرهنگی مضر است.



بنده در این زمینه احساس یک ولنگاری ای میکنم ؛ باید این را شماها در نظر داشته باشید و اهمیت بدهید.

در مورد سیاستها. خب شما که مجلس شورای اسلامی هستید، یک نهاد انقلابی هستید ؛ مجلس شورای اسلامی یک نهاد انقلابی و برآمدهی از انقلاب است ؛ باید انقلابی عمل کنید، باید انقلابی باشید و بمانید. البته انقلابی بودن صوری دارد، اشکالی دارد ؛ پریروز در مرقد امام، بنده یک مقداری در این زمینهها صحبت کردم ؛ ( ۱۲ ) اگر بودید یا اگر گوش کردید یا اگر شنیدید [میدانید]. بالاخره انقلاب یک ضوابطی دارد، یک مبانی ای دارد. به هر حال شما در قانونگذاری انقلابی عمل کنید، در موضع گیری ها انقلابی عمل کنید ؛ موضع گیری ها هم دوجور است: یکی موضع گیری های شخصی شما است که در نطقهای شما خودش را نشان میدهد، یکی موضع گیری های عمومی است. مجلس نهم در این جهت انصافاً کارنامه ی خوبی داشت. در جهت مقابله و مواجهه ی با جریانهای معارض و متعترض سیاسی علیه انقلاب، باید موضع گیری داشت، باید موضع داشت. شما ببینید، مثلاً فرض کنید حالا کنگره ی آمریکا - دولت آمریکا که قطعاً رفتارش با ما کاملاً خصمانه است ؛ یعنی این را که بنده عرض میکنم، نه متعصبانه است، نه از روی حدس و گمان است، [بلکه] از روی اطلاعات روشن و دقیق عرض میکنم ؛ دولت آمریکا برخوردش با جمهوری اسلامی بشدت خصمانه است - اعتراض دارد به دولت آمریکا که شما با ایران مدارا میکنید ؛ مرتب هم قطعنامه صادر میکنند و حرف میزنند و چه میکنند. خب چه کسی باید جواب اینها را بدهد؟ چه کسی باید به میدان اینها بیاید؟ چه کسی باید دهان اینها را ببندد؟ دشمن در عرصه ی سیاسی روی عکس العمل ها محاسبه میکند. اگر او یک چیزی گفت و شما ساکت شدید، یک جور حساب میکند ؛ اگر ساکت شدید و سرتان را هم پایین انداختید، یک جور حساب میکند ؛ اگر ساکت شدید و سرتان را پایین انداختید و تئوچ هم کردید با خودتان، یک جور حساب میکند ؛ [اما] اگر سرت را بالا گرفت و جواب دادی، یک جور دیگر حساب میکند. اگر دشمن احساس بکند که شما منفعل هستید، اهل عقب نشینی هستید، کوتاه نمی آید. اصلاً در عالم سیاست «کوتاه آمدن» نیست، می آیند جلو مرتباً زیاده خواهی میکنند ؛ در قضایای مختلف، که حالا همین قضیه ی مذاکرات هسته ای آخری اش است ؛ می بینید دیگر! مرتب دارند مطالبه میکنند، زیادی میخواهند، تهدید میکنند. همان حرفهایی که آن زمان راجع به حرکت هسته ای و غنی سازی و بیست درصد و مانند اینها میگفتند که [گزینه ی] جنگ روی میز است و از این حرفها - که پی در پی میگفتند - حالا باز همان حرفها را دوباره دارند تکرار میکنند ؛ هم دولتی هایشان دارند تکرار میکنند، هم مجلسی هایشان تکرار میکنند، هم نامزدهای ریاست جمهوری آینده شان تکرار میکنند ؛ این دو سه نامزدی که حالا در صحنه اند و باقی مانده اند، اینها هم حتی تکرار میکنند که ما اگر سرکار بیاییم، این کار را میکنیم، این کار را میکنیم!

یک نکته ای که [باید] خیلی به آن دوستان توجه بکنند: ببینید ما در داخل کشور یک گسلهایی داریم، گسلهای قومی داریم، گسلهای عقیدتی داریم، سنی و شیعه داریم مثلاً فرض بفرمایید، گسلهای جناحی داریم - همین جناحهایی که هست، که می بینید - این گسلهها تا مادامی که فعال نشده، زلزله به وجود نمی آید ؛ اشکالی هم ندارد. بودن اختلافات اشکالی ندارد. اگر چنانچه این گسلهها فعال شد، آن وقت زلزله به وجود می آید ؛ سعی دشمن در فعال کردن این گسلهها است ؛ حواستان باشد. مرتباً دارند بر آتش اختلافات میدمند برای اینکه آن را برافروخته تر و مشتعل تر بکنند ؛ سعی کنید این اتفاق نیفتد. شما عقیده ات را داشته باش ؛ یکی جناح «الف» است، یکی جناح «ب» است، یکی جناح فلان است، خب باشند، اشکالی هم ندارد. اما اگر چنانچه این به یقه گیری و کشمکش زبانی [منجر شد] که کشمکش زبانی هم گاهی به کشمکش یدی منتهی میشود - «فَإِنَّ الْحَرْبَ أَوْلَهُ اللِّسَانُ» ؛ ( ۱۳ ) همه ی جنگها غالباً از زبان شروع میشود -. خب، مراقب باشید دشمن این گسلهها را فعال نکند. یکی از نقاط مهم این است. هیچ اشکال ندارد که شما در مجلس در فلان قضیه ی سیاسی، طبق همان نگاه و بینش سیاسی خودت رأی بدهی، دیگری هم طبق سیاست خودش ؛ اما این را به دعوا نکشاند، به اختلاف نکشاند، عین همین قضیه را من بین دولت و غیر دولت قائلم ؛ از جمله دولت و مجلس، دولت و مردم. ممکن است مردم سیاستهای یک دولتی را قبول نداشته باشند - یا اغلب سیاستهایش را، یا همه ی سیاستهایش را، یا بعضی از سیاستهایش را - اشکالی ندارد. کیست که



مخالف نداشته باشد؟ کیست که معترض و منتقد نداشته باشد؛ هم‌ای ماها مخالفینی داریم، معترضینی داریم، منتقدینی داریم؛ ایرادی هم ندارد. ایراد آنجایی است که این مخالفت به یقه گرفتن یکدیگر منتهی بشود؛ این را مراقب باشید که در مجلس انجام نگیرد؛ اگر در مجلس تشنج به وجود بیاید -همچنان که در بعضی از دوره‌ها داشتیم که تشنج در مجلس به وجود می‌آمد- این تشنج سرریز میشود روی ملت، در داخل مردم تشنج ایجاد میکند؛ ولو از لحاظ روانی. اگر در مجلس آرامش باشد، این آرامش سرریز پیدا میکند بر مردم و این آرامش خیلی مهم است؛ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ. (۱۴) خاصیت سکینه این است؛ سکینه یعنی همان آرامش، آرامش روحی؛ طوفانی نبودن. این موجب میشود که «لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، فرصت افزایش ایمان به انسان میدهد؛ این خیلی چیز مهم و با اهمیت است. خب، دشمن در سطح افکار عمومی دنیا سعی میکند ایران اسلامی را متهم کند، در سطح داخلی ما سعی میکند گسرها را فعال کند، در سطح منطقه -این منطقه غرب آسیا- سعی دشمن این است که نقشه‌های حساس و مهم خودش را برای این منطقه حساس پیش ببرد و مانع را -که عبارت است از ایران اسلامی که مانع از تحقق نقشه‌های او است- خنثی کند؛ سعی دشمن این است. در مورد عراق اینها نقشه دارند، در مورد سوریه نقشه دارند، در مورد فلسطین نقشه دارند، در مورد لبنان نقشه دارند؛ نقشه‌های مشخص. یک روزی از دهنشان در رفت، اسم خاورمیانه‌ی جدید و خاورمیانه‌ی بزرگ را آوردند؛ آن خانمی که رأس سیاست خارجی‌شان بود، آن سالها گفت. اشتباه کردند؛ [اما] گفتند. این به تعبیر آنها «خاورمیانه» -که این تعبیر، تعبیر غلطی است و کاملاً از فکر و ایده و ذهن متکبر غربی برمیخیزد، یعنی هرچه به غرب نزدیک است و به اروپا نزدیک است، این اسمش خاور نزدیک است؛ هرچه دور است، خاور دور است؛ هرچه وسط است، خاور میانه است؛ یعنی معیار اروپا است، حالا آسیای به این عظمت معیار نیست- که آنها حالا به تعبیر خودشان «خاورمیانه‌ی بزرگ» و «خاورمیانه‌ی جدید» گفتند، آنها برای این منطقه برنامه دارند؛ علتش هم این است که این منطقه بسیار حساس است از لحاظ مختلف؛ از لحاظ وجود مسلمانها، وجود اسلام، از جهات وجود رژیم صهیونیستی، از جهت وجود منابع عظیم نفتی در اینجا، از جهت وجود آبراه‌های مهم دنیا در اینجا -تنگه‌ی هرمز اینجا است، تنگه‌ی باب‌المندب اینجا است، چند تنگه‌ی مهم در این منطقه است؛ این تنگه‌ها خیلی مهم است در دنیا، از لحاظ جغرافیای سیاسی بسیار مهم است، از لحاظ راهبردی خیلی مهم است- لذا روی این منطقه حساسند؛ برنامه دارند، نقشه دارند؛ نقشه‌هایشان را میخواهند بی‌مانع و بی‌دردسر دنبال کنند. جمهوری اسلامی حالا وارد شده و جلوی نقشه‌های اینها را گرفته؛ عراق را میخواستند ببلعند؛ جمهوری اسلامی نگذاشته. اینها از این ناراحتند؛ نقشه‌هایشان به هم خورد؛ اینها میخواستند عراق را ببلعند. عراق خیلی کشور ثروتمندی است؛ میدانید؟ عراق خیلی ثروتمند است؛ اینها میخواستند عراق را ببلعند و با تسلط بر عراق، ایران را دائماً تهدید کنند. همچنان که از شرق، جور دیگری میخواستند تهدید کنند؛ هدفشان این بود. سیاستهای جمهوری اسلامی مانع شده و نگذاشته. خب، اینها درصددند که این مانع را برطرف کنند؛ شبیه همین قضیه در سوریه است، شبیه این قضیه در فلسطین است؛ سیاستها اینها است؛ مقابل این سیاستها بایستی یابستید. چهره‌ی استکبار را افشا کنید؛ حقایقی را که در مورد استکبار و نظام سلطه در اختیار شما قرار دارد یا قرار میگیرد افشا کنید، بگویید؛ فضا درست کنید؛ در نطق‌هایتان، در موضع‌گیری‌های عمومی.

و مراقب باشید حرف شما و عمل شما به هدفهای آمریکا کمک نکند. ما گاهی در گذشته مواردی را داشته‌ایم که نماینده‌ی مجلس یک حرفی زده که این حرف، صددرصد در خدمت هدفهای رژیم صهیونیستی بوده. یعنی صددرصد، نه نود درصد! کأنه درست حرفهای آنها را دیکته کردند به او و او اینجا منعکس کرده. داشته‌ایم از این قبیل مواردی، البته بندرت؛ مراقب باشید چنین چیزهایی پیش نیاید.

خب، خیلی طولانی شد؛ بنده بنا ندارم معمولاً در این جلسه زیاد صحبت کنم. ان شاء الله که خداوند شماها را موفق بدارد و کمکتان کند. ما شما را دعا میکنیم؛ همین‌طوری که آقای دکتر لاریجانی گفتند دعا [کنم]، واقعاً من دعا





میکنم شما حضرات را، برادران و خواهران را؛ شما هم ما را دعا کنید تا ان شاء الله بتوانیم این باری را که بر دشمنان است که بار سنگینی است و بار آسانی نیست، برداریم. [www.leader.ir](http://www.leader.ir)

پروردگارا! به حقّ محمد و آل محمد موجبات رضایت خودت از ما را فراهم کن؛ ما را بر کسب رضایت خودت موفق بفرما؛ قلب ولیّ عصر (ارواح‌افاده) را از ما راضی و خشنود کن؛ شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور کن.

والسلام علیکم ورحمة الله

- (۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی برگزار شد - آقای دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) مطالبی بیان کرد.
- (۲) سوره‌ی عصر، آیه‌ی ۲ و بخشی از آیه‌ی ۳: «که واقعاً انسان دستخوش زیان است. مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند...»
- (۳) مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۵۹۲
- (۴) بحث و گفتگو کردن همراه با استدلال
- (۵) پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵/۳/۴)
- (۶) حسین پیرنیا
- (۷) حسن پیرنیا
- (۸) بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰/۳/۸)
- (۹) جایگاه
- (۱۰) از جمله، بیانات به مناسبت حلول سال ۱۳۸۶ هجری شمسی
- (۱۱) بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (۱۳۹۵/۳/۱۴)
- (۱۲) بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (۱۳۹۵/۳/۱۴)
- (۱۳) مصرعی از یک بیت عربی با اندکی اختلاف
- (۱۴) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۴: «او است آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند...»